



معرفی، نقد و بررسی تصویر نامه مطبوعاتی تیراژ (1341-1342 ش)

پدیدآورده (ها) : کوهستانی نژاد، مسعود
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: بهار و تابستان 1377 - شماره 29 و 30
از 124 تا 131

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/92212>

دانلود شده توسط : سارا سلطانی
تاریخ دانلود : 12/08/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



معرفی، نقد و بررسی تصویب‌نامه مطبوعاتی تیراژ

(۱۳۴۲ - ۱۳۴۱ ش)

مسعود کوهستانی نژاد

اعتراض کردند. در اواخر مهرماه چند تن از مدیران جراید با دکتر امینی نخست وزیر وقت ملاقات کرده و از فعالیت کمیسیون تفتیش در اعمال سانسور بر مطبوعات شکایت کردند^(۱). در همین رابطه در یکی از مجلات خطاب به نخست وزیر عنوان شد:

«... من می‌خواستم به رئیس دولت موقت بگویم این دستگاهی که در مسائل سیاسی آنقدر دقیق و سختگیر است که به قول همکاران منته به خشخاش می‌زند، چرا در مسائل مربوط به اخلاق و عفت عمومی این اندازه لاپابالی است و سهل‌انگاری می‌کند»^(۲).

افزون بر یک ماه بعد در اواخر آذر ماه همان سال بار دیگر برخی از مدیران جراید دیدار دیگری با نخست وزیر کرده و در مورد مشکلات مطبوعات با او گفتگو کردند^(۳).

این وضعیت همچنان ادامه داشت تا اینکه طرح برنامه‌های جدید دولت و رژیم در جامعه و متعاقباً برگزاری فراندنم دولتی در ششم بهمن ۱۳۴۱، سبب ایجاد وضعیت جدیدی در صحنه سیاسی و اجتماعی کشور شد. با شروع اجرای لوایح ششگانه و در اواخر بهمن ۱۳۴۱، اسداله علم به عنوان نخست وزیر جدید شروع بکار کرد. در برنامه کاری دولت علم اشاره‌ای به لزوم بهبود وضعیت مطبوعات و یا لزوم تجدید نظر در وضعیت آنها نشده بود. علیرغم این موضوع، انتصاب جهانگیر تفضلی به سمت وزیر مشاور و سرپرست اداره کل انتشارات و رادیو در هیات جدید دولت، بیانگر میزان اهمیتی است که دولت علم به موضوع مطبوعات داده بود. جهانگیر تفضلی به عنوان یک روزنامه‌نگار پر سابقه، آشنایی کامل و دقیقی با مدیران و دست‌اندرکاران جراید و وضعیت مطبوعات داشته، و توانایی اعمال سیاستهای آتی دولت در مورد مطبوعات را دارا بود.

بهر روی همانگونه که قبلاً گفته شد جهت و هدف اصلی دولت علم اجرای لوایح ششگانه بود که در عمل با مخالفت روحانیون، علماء و مراجع قم، وقوع شورش در فارس و مخالفت پاره‌ای از گروه‌های سیاسی

از جمله اسنادی که در آرشیو سازمان اسناد ملی ایران نگهداری می‌شود، نسخه‌ای از تصویب‌نامه هیات وزیران در ۲۵ اسفند ۱۳۴۱ شمسی در ارتباط با مطبوعات است. در چنین روزی و در اوج بحران سیاسی پیش آمده ناشی از اجرای لوایح شش‌گانه رژیم پهلوی، دولت وقت اقدام به صدور تصویب‌نامه‌ای کرد که براساس مفاد آن امتیاز کلیه جرایدی که در تهران منتشر شده و تیراژ آنها در مورد روزنامه‌ها کمتر از ۵ هزارتا و در مورد مجلات کمتر از سه هزارتا بودند، لغو شد. این تصویب‌نامه در همان زمان به لایحه تغییر قانون مطبوعات و بنا لایحه «الغاء امتیاز ۷۶ روزنامه و مجله» مشهور شد. اهمیت تصویب‌نامه مورد بحث و پیامدهای ناشی از اجرای آن در وضعیت مطبوعات در آن زمان، ما را بر آن داشت تا بررسی مسیوطی پیرامون علل و عوامل صدور تصویب‌نامه مذکور و نیز پیامدهای آن داشته باشیم.

* * *

در واپسین ماههای سال ۱۳۴۱ بحران عمیق سیاسی و اجتماعی جامعه ایران را فرا گرفته بود. عامل اصلی این بحران اقدامات دولت و رژیم در اجرای برنامه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در جامعه بود. برنامه‌هایی که عنوان لوایح شش‌گانه بخود گرفتند. به تبع دیگر نهادهای اجتماعی، مطبوعات نیز دچار بحران شده بودند. در طی این بحران مدیران و دست‌اندرکاران مطبوعات به دلیل کنترل و سانسور شدید دولتی نه تنها اجازه انعکاس اخبار و گزارشات واقعی از نحوه برخورد مردم با اقدامات دولت را نداشتند، بلکه بالعکس مجبور بودند اخبار و گزارشات تأیید شده از سوی دولت را در صفحات جراید خود چاپ نمایند.

از سویی دیگر از اواسط سال ۱۳۴۱ برخی از مدیران جراید در چند دیداری که با مقامات دولتی داشتند به وضعیت سانسور حاکم بر مطبوعات

مواجه شد. و بدنبال همین مخالفت‌ها بود که در اسفند ماه ۱۳۴۱ اسداله علم اعلام کرد دولت موقتاً از اجرای لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی صرفنظر کرده است. در این میان بدلیل وجود سانسور و کنترل شدید مطبوعات توسط دولت، در ارتباط با وقایع مربوط به اجرای لویح ششگانه، مدیران و دست‌اندرکاران جرایم مجبور به چاپ اخبار و گزارشات دولتی بودند و تنها در لابلای مطالب به سوءاستفاده‌های مالی و وابستگی مقامات دولتی اشاره می‌شد. به نمونه زیر توجه کنید:

«آیا اطلاع دارید: حق‌الوکاله دکتر ارسنجانی (وزیر سابق کشاورزی) بابت وکالتی که از طرف خانم مرحوم عباس اسکندری داشته و در دعوی مطرحه در ایران و اروپا پیروز شده، سه میلیون و هشتصد هزار تومان است که هنگام حرکت ارسنجانی از تهران ششصد هزار تومان بابت یکی از اقساط آن را دریافت داشته است. همچنین دکتر ارسنجانی از چند سال قبل ماهی ۹ هزار تومان از کنسرسیون نفت به عنوان مشاور دریافت می‌داشته که می‌گویند در دوران وزارت نیز شهریه او را قطع نکرده و به همین جهت دکتر ارسنجانی از قبول حقوق وزارت مطلقاً خودداری نموده است.

«آیا اطلاع دارید [استاندار فعلی گیلان سالهای متمادی عضو اداره قضایی شرکت نفت انگلیس و ایران بود.

«آیا اطلاع دارید [طرح دکتر «فاف» استاد دانشگاه «کلورادو» درباره سیستم یک حزبی در ایران که در مجله ماهانه «اکو، اف، ایران» منتشر شده بود و هفته قبل آن را درج کردیم هنوز مورد بحث رجال است و مطالبی را که راجع به ایران نوشته قابل توجه می‌دانند»^(۴).

از سویی دیگر در همان زمان در نشریاتی که توسط گروه‌های مخالف رژیم، ساکن در خارج از کشور، به ایران ارسال می‌شد، لویح ششگانه مورد بحث و بررسی قرار می‌گرفت. انتشار اینگونه نشریات در داخل کشور، دغدغه‌ای برای مقامات دولتی بود. اسداله علم نخست‌وزیر، در ملاقاتی که در اسفند ۱۳۴۱ با دانشجویان دانشگاه تهران داشت به این موضوع اشاره کرد و گفت:

«... شما باید چشمتان روشن باشد. همه روزه یک روزنامه‌ها و یک بروشورهایی می‌رسد، از همین مراکز در اروپا برای ما می‌رسد: که زنجیرها را پاره کنید، جوانان، روشنفکران، عزیزان، زنجیرها را پاره کنید، ما را در قید و زنجیر نگذارید. [علم خطاب به دانشجویان] منشاء این کار مراکزی است که نابودی مملکتان را می‌خواهند»^(۵). احتمالاً در همین رابطه است که در بیستم اسفند ماه، پروانه فعالیت خبرنگاران دو خبرگزاری خارجی در ایران لغو شد^(۶) و همچنین سه روز بعد نیز روزنامه بامشاد توقیف شد^(۷).

از سوی دیگر هنوز دو هفته از شروع بکار دولت علم نگذشته بود که شایعاتی مبنی بر ایجاد یک وضعیت ویژه برای مطبوعات در لابلای جرایم چاپ شد. نکته جالب آن است که در این شایعات قید شده بود موضوع اصلی مورد توجه دولت مسئله تیراژ جرایم کشور است. در روز ۱۵ اسفند مقاله‌ای به نقل از روزنامه پیغام امروز در جریده دیپلمات چاپ شد. در این

مقاله به صراحت موضوع تیراژ مطبوعات مطرح شده بود. در این مقاله که با عنوان «ایتقدر مطبوعات داخلی را حقیر بشمارید» به چاپ رسید. آمده است:

«۱- در دنیا ارزش روزنامه یا مجله‌ای را روی تیراژ آن تعیین نمی‌کنند، روی نفوذ و اثرش بر جامعه حساب می‌کنند ... هفته نامه «نیوز اف دورلد» [انگلیس] ۸ میلیون تیراژ دارد ولی اعتبار و نفوذ «تایمز» لندن با تیراژ ۲۲۰ هزار نسخه قابل مقایسه با آن نیست.

۲- مسئله ملی ایجاب می‌کند که همیشه شأن مطبوعات داخلی بیش از مطبوعات خارجی باشد، حیث است که آدم عاقل سلاح حریف را بر سپر خویش مقدم بدارد. اگر روزنامه‌ها نمی‌توانند به منبع خبرهای صحیح دست پیدا کنند معلوم است چرا. و می‌ترسیم اگر گاهی گله می‌شود، گله‌ای باشد که معمولاً دو طرف دعوا همیشه از عدلیه دارند. اگر جوهر انصاف باشد می‌توان دید مطبوعات ایران بیشترین تلاش را برای بدست آوردن و نشر خبر صحیح بکار می‌برند، ولی وقتی تلاش میسر نیست به نتیجه برسد ناچار به سراغ «نابدید شدن گور مهوش» می‌روند.

همیشه می‌توان مطبوعات را محدود کرد ولی اینکه عقلای قوم تن به چنین کاری نداده‌اند بخاطر آن است که مطبوعات ایران حربه ملی هستند و اگر حربه حریف را می‌بینند قوی‌تر است، باید فرصت داد، میدان داد، تحمل نشان داد، تا حربه شما هم بر او قوی شود ... سنگی که امروز کار می‌گذارید اگر سنجیده نباشد تا چند سال دیگر آسیب بزرگ آن نصیب مملکت می‌شود. اشخاص می‌روند و مملکت می‌ماند و ارکان مملکت می‌ماند. شمشیر مطبوعات نباید چوبی باشد، اگر چوبی بود فردا در عرصه مصادمات بین‌المللی با کدام حربه جولان می‌دهید»^(۸).

این وضعیت همچنان ادامه داشت تا اینکه ده روز بعد، هیات وزیران در جلسه مورخ ۲۵ اسفند ۱۳۴۱ خود تصویب نامه‌ای را درخصوص اعمال محدودیت بر مطبوعات صادر کرد (سند پیوست)^(۹). صدور این تصویبنامه تأییدی بر شایعات موجود در جامعه آن روز مبنی بر اعمال محدودیت جدید دولت بر علیه مطبوعات بود. در توجیه و تفسیر صدور تصویبنامه مزبور، جهانگیر تفضلی وزیر مشاور و مجری مفاد آن، مصاحبه‌های زیادی کرد که جهت روشن شدن موضوع با هم مروری بر خلاصه مصاحبه وی با فریدون خادم خواهیم داشت. در طی این مصاحبه جهانگیر تفضلی در پاسخ به سوالی پیرامون علت صدور «تصویبنامه تیراژ» از سوی دولت، بیان داشت:

«... باید بگویم که ارزش و اهمیت روزنامه همیشه مربوط به تیراژ آن نیست. مثلاً مجله اکونومیست لندن که از مهمترین روزنامه‌های جهان هست، تیراژ نسبتاً کمی دارد اما از نظر سیاسی و اجتماعی دارای اعتبار و حیثیت فراوانی می‌باشد. از اینکه بگذریم معمولاً تیراژ هر نشریه‌ای بستگی به سلیقه عمومی مردم دارد و تقریباً ذوق و سلیقه مردم در خواندن اخبار آرتیست‌ها و داستانهای پلیسی در همه جای دنیا کم و بیش شبیه و نزدیک به هم است ... متأسفانه در پانزده شانزده سال اخیر وضع مطبوعات

بصورتی درآمده بود که غیر قابل تحمل شده بود و ایجاب می کرد که بالاخره یک روز به این بی بندوباری ها خاتمه داده شود. وجود بعضی از روزنامه ها متأسفانه چنان مردم را نسبت به جامعه مطبوعات بدبین کرده بودند که هیچ چاره ای جز تهذیب مطبوعات نداشتیم. اما من تیراژ را از آن جهت میزان و مقیاس سنجش در طرح پیشنهادی قانونی قرار دادم که می خواستم برای تهذیب و آبرومند کردن مطبوعات مقیاسی در دست داشته باشم که در آن حب و بغض و نظر شخصی راه نیابد و این مقیاس که به وسیله آن نظر و انتخاب خود خوانندگان را در طرح پیشنهادی که بصورت قانون درآمد، میزان عمل قرار دادم و برای این بود که رسیدگی در صلاحیت اخلاقی کاری است بسیار دشوار و اخلاق مسئله ای است که در زمانها و مکانهای مختلف خوب و بد آن تغییر می کند^(۱۱).

بر طبق مفاد ماده ۴ تصویب نامه مورد بحث مبنی بر استثناء «روزنامه و مجلاتی که امتیاز آنها برای شهرستانها داده شده است و در همان شهرستان به طبع می رسد» از شمول تصویب نامه مذکور، عملاً موضوع اجرای تصویب نامه تنها شامل نشریات و جراید چاپ شده در تهران، می گشت. لیکن هنوز چند هفته ای از اجرای تصویب نامه مزبور نگذشته بود که جهانگیر تفضلی طی مصاحبه ای با اشاره به وضعیت مطبوعات در شهرستانها گفت: «در شهرستانها ۹۱ روزنامه داریم که مشغول مطالعه هستیم که مطبوعات شهرستانها را نیز تعدیل کنیم^(۱۲)» که البته بدلیل تغییر و تحولی که چندی بعد در کابینه علم روی داد، تفضلی از سمت خود برکنار شد و با برکناری تفضلی، فکر محدود سازی مطبوعات شهرستانها به فعلیت نرسید.

در اجرای «تصویب نامه تیراژ» تعداد نشریات و جراید در سراسر کشور به ۱۵۶ عدد محدود شد که از این تعداد سهم شهر تهران ۶۵ روزنامه و مسجله بود. در پانزدهم فروردین ۱۳۴۲ جهانگیر تفضلی با صدور اطلاعیهای اسامی جرایدی که براساس مفاد تصویب نامه مورد بحث اجازه انتشار داشتند را به شرح ذیل اعلام کرد:

«کیهان - اطلاعات - پیغام امروز - ژورنال دو تهران - تهران جورنال - کیهان ایبتر نشنال - بامشاد - مهر ایران - صدای مردم - بورس - توفیق - روشنفکر - سپید و سیاه - خواندنی ها - تهران مصور - امید ایران - خوشه - فردوسی - انحاء ملل - اتحاد ملی - دنیا - ترقی - کیهان هفته - آسیای جوان - جراحی ایران - سخن - یغما - آلیک - بهداشت روانی - ورزش و زندگی - اطلاعات هفتگی - صبح ایران - اطلاعات بانوان - فرهنگ ایران زمین - اطلاعات کودکان - تربیت بدنی و پیش آهنگی - تاج - الاخاء - پزشکی خانواده - پزشکی دارو - هورمون - فرهنگ جهان - هوجت - ارمغان - سلامت فکر و بهداشت - پیام نو - راهنمای کتاب - ایران آباد - جهان پزشکی - کاوش - دانشکده پزشکی - موزیک ایران - روانشناسی - بانک کشاورزی - تاریخ اسلام - سخن پزشکی - معماری نوین - دانشکده حقوق و علوم سیاسی - مجله راه آهن - مجله شهربانی - مجله ارتش - طب و سلامتی - ستاره شرق - ستاره سینما - هنر و سینما^(۱۳)».

و از جمله نشریاتی نیز که براساس همین تصویب نامه توقیف شدند

می توان به «فریاد خوزستان - سعادت ایران - اراده آذربایجان - دیپلمات - سحر - رستاخیز عدل و یزدان» اشاره کرد. صدور تصویب نامه تیراژ عکس العمل هایی را نیز بدنبال داشت. در واپسین روز سال ۱۳۴۱ در نشریه دیپلمات سرمقاله ای با عنوان «روزگار روزنامه نگاران» چاپ شد که در آن با توجه به صدور تصویب نامه مورد بحث، وضعیت روزنامه نگاران ایرانی تشریح شد. در بخشی از این مقاله آمده است:

«در اخبار آمده بود که رژیم انقلابی عراق به محض آنکه حکومت را در دست گرفت و بر اوضاع مسلط شد امتیاز جراید را لغو کرد و درست یک ماه بعد همین که رژیم انقلابی سوریه استوار گردید و استقرار یافت بلافاصله امتیاز هفده روزنامه را در دمشق لغو نمود و دفا تر جراید مزبور را مهر و موم کرد و اموال مدیران آنها حتی دارایی زنان و فرزندان شان را ضبط و در معرض مصادره قرار داد.

اگرچه این اقدامات و عملیات در کشورهایی که حکومت های ناپایدار و ناسازگار دارند و زمامداران آن با کودتا بر سرکار می آیند و با کودتا از میان می روند چندان عجیب نیست، معذالک سرنوشت ارباب قلم در چنین کشورهایی واقعاً جالب توجه است و شایسته بحث و فحص می باشد. این موجودات نگون بخت و سرسخت هر کدام مدت چند سال حباب ترین اشخاص را معصوم ترین افراد معرفی کرده و تا توانسته اند در محاسن و محامد دیکتاتورها داد سخن داده و مطبوعات خود را در تعریف و توصیف آنها سیاه و آبروی خویش را در انتظار جامعه تباه نموده، سرزنش و عذاب وجدان را متحمل شده، لعنت و نفرت ابدی برای خود و خاندان شان بوجود آورده، عمری را در نهایت ذلت و خفت گذرانده و در آخر کار با چنین عاقبت اسف انگیز و اعجاب آمیزی مواجه گردیده و زن و فرزند را در ورطه مسکنت و فلاکت افکنده اند.

در ایران خودمان که از هیچ بابت و جهت شباهتی با آنچنان ممالکی ندارد و تا امروز دیده نشده که حتی اموال افسدناس را مصادره کرده باشند باز هم روزگار روزنامه نگاران خیلی حزن آور و ملالت بار بوده است و بجای آنکه پایگاهی رفیع و منبع در اجتماع داشته باشند جایگاهی حقیر و صغیر دارند. در اینجا بدون آنکه کودتایی بشود یا خطری متوجه مملکت باشد چندین دولت به فکر لغو امتیاز افتاده اند و دولت مقتدر و اصلاح طلب دکتر امینی که در بدو تشکیل به مطبوعات کشور آزادی کامل داده بود کار را به جایی رساند که جمعی از ارباب جراید در انجمن مطبوعات متحصن شدند و بعد هم که رئیس حکومت از فکر لغو امتیاز انصراف حاصل کرد، آنچنان سانسوری برقرار و استوار ساخت که قبلاً تمام مطالب مطبوعات به کمیسیون سانسور فرستاده می شد و بار دیگر نمونه آنها را از زیر چاپ به آن کمیسیون می بردند و در صورت صدور روایت، مجاب به طبع و انتشار می شدند و در همین حال و در آن شرایط و مقتضیات عجیب، توقعات مردم از آنها حد و حصر نداشت و جبهه ملی طی اعلامیه های خود اشاره به «روزنامه های مزدور» می نمود و واعظ در روی منبر عبارت «ورق پاره های اجیر» بکار می برد. و این بیچارگان «خسرالدنیا والاخره» قادر به

دفاع و توضیح و تشریح وضع خویش نبودند (۱۳۳).

لازم بذکر است که پس از چاپ مقاله فوق، جریده دیپلمات توقیف شد.

محمود عنایت نیز طی مقاله‌ای با عنوان «تیراژ اصیل و تیراژ اصغر قاتلی» که در مجله فردوسی چاپ شد، به بررسی تصویبنامه مورد بحث پرداخته و ضمن توصیف وضعیت نشریات و وضعیت روزنامه‌نگاری در ایران، بیان داشت:

«... بنده قبل از اینکه به نتیجه کلی برسم یک تقسیم‌بندی ساده درباره مطبوعات کشور انجام می‌دهم، می‌گویم مطبوعات ما سه دسته‌اند:

۱- کارت ویزیت‌ها، که اوراق بی‌ارزش و بی‌خواننده و فحاش و کلاش بودند.

۲- مطبوعات وزین که از ابتذال و انحراف می‌پرهیزند و به سبب شیوه خاص و سنگین و نسبتاً آکادمیک بیشتر در میان خواص خواننده دارند و در میان عوام فاقد بازارند.

۳- مطبوعات و مجلات خیری و «عکس و تفضیلاتی» و پر آب و رنگ که در میان طبقات وسیعی از مردم عوام خواننده دارند.

سخن آن است که مردم بطور کلی نسبت به مطبوعات اقبالی ندارند. این عدم اقبال نشانه طرز تفکر و بینش خاص مردم نسبت به اوضاع و احوال روز بوده است. من اسم این عدم اقبال را نوعی مقاومت منفی می‌گذارم. مردم عملاً مطبوعاتی را که به رسالت خود بی‌اعتنا بودند طرد کردند و به جرایدی که نسبتاً حامل رسالتی بودند اقبال نمودند... پس این بر دولت است که به جراید کشور برای حفظ و بالا بردن تیراژشان کمک کند و همه توانمی را که تاکنون در راه جلب مردم کوچک و بازار بسوی روزنامه‌ها وجود داشته است، از پیش پای آنها بردارند (۱۴).

درخصوص عکس‌العمل گروه‌های مطبوعاتی فعال در آن زمان (انجمن مطبوعات ایران - جبهه مطبوعات متفق ایران و سندیکای نویسندگان و خبرنگاران ایران) در قبال تصویب نامه تیراژ، نمونه‌ای در اسناد و جراید هم‌زمان مشاهده نشد لیکن در گفتگویی که با استاد مسعود برزین دبیر وقت سندیکای نویسندگان و روزنامه‌نگاران داشتم، ایشان در ارتباط با موضع سندیکا پیرامون صدور تصویبنامه مورد بحث بیان داشتند: «در آن زمان پس از صدور تصویبنامه از سوی دولت هیات مدیره سندیکا تشکیل جلسه داد و پس از انجام مذاکرات تصمیم بر آن شد که چون سندیکا تازه تاسیس یافته، لذا عملاً نباید عکس‌العملی در قبال صدور تصویبنامه از خود نشان دهد».

از پیامدهای اجرای تصویبنامه، اخباری در نشریات چاپ می‌شد. به عنوان مثال در سیزدهم فروردین ۱۳۳۲ اعلام شد:

«... با انتشار تصویبنامه جدید دولت درباره مطبوعات، انتشار اکثر

روزنامه‌های صبح و نشریات هفتگی متوقف شده است. در مورد جلوگیری از چاپ این روزنامه‌ها دستورات لازم به چاپخانه‌ها داده شده است (۱۵).

یک هفته بعد نیز در ارتباط با وضعیت چاپخانه‌ها اعلام شد:

«تصمیم اخیر درباره مطبوعات موجب گردیده که عده‌ای از کارکنان مطبوعات و کارگران چاپخانه‌ها از کار بیکار شده و در شرایط فعلی که تهیه کار خیلی مشکل است با وضع سختی روبرو شوند (۱۶).

پس از بررسی اجمالی پیرامون چگونگی صدور تصویبنامه تیراژ و کارکرد آن، جای دارد بررسی تطبیقی بین مفاد آن با لایحه قانون مطبوعاتی سال ۱۳۳۴ داشته باشیم. قبل از انجام این مقایسه، لازم به ذکر می‌دانم که بدنبال انحلال دوره بیستم مجلس شورای ملی در سال ۱۳۴۰، از آن زمان تا زمان مورد بحث این مقاله (زمستان سال ۱۳۴۱) مجلس شورای ملی تعطیل بود. بدین لحاظ دولت از نظر قانونی این امکان را داشت که با تنظیم و تصویب لوایحی آن بخش از مشکلات و نیازهای خود را برطرف سازد تا پس از افتتاح دوره جدید مجلس، لوایح مزبور جهت تصویب قطعی به مجلس ارجاع شود. تصویبنامه و یا لایحه قانونی تیراژ نیز در چارچوب چنین دیدگاهی توسط هیات دولت صادر شد.

در مقایسه بین مفاد تصویبنامه تیراژ با لایحه قانون مطبوعاتی سال ۱۳۳۴ که در سالهای مورد بحث به عنوان مبنای قانونی اقدامات دولت در قبال مطبوعات بود، متوجه برخی مغایرت‌ها می‌شویم. شروع و مقدمه تصویبنامه همان ماده اول لایحه قانونی ۱۳۳۴ است. و این به معنای آن است که استناد تنظیم‌کنندگان تصویبنامه به مفاد لایحه قانون بوده است. علیرغم این موضوع، ماده‌های اول - دوم - سوم و پنجم تصویبنامه با مفاد لایحه قانون مطبوعات ۱۳۳۴ (۱۷) مغایرت دارند که ذیلاً به بررسی آنها می‌پردازیم:

۱- ماده اول تصویبنامه اساساً با مفاد ماده سوم (شرایط صدور اجازه نامه) و ماده‌های ۱۱ تا ۲۵ (فصل سوم: جرایم) و ماده‌های ۲۶ تا ۲۹ (فصل چهارم: تخلفات) لایحه قانونی سال ۱۳۳۴، مغایرت دارد.

۲- ماده دوم تصویبنامه با ماده پنجم لایحه قانونی سال ۱۳۳۴ مغایرت است. در ماده پنجم لایحه مزبور اعضای کمیسیونی که وضعیت درخواست‌کنندگان امتیاز نشریات را بررسی می‌کنند، متشکل از: نماینده عالی رتبه وزارت کشور - نماینده عالی رتبه فرهنگ - دادستان استان - یک نفر استاد دانشگاه به انتخاب رئیس دانشگاه برای مدت ۲ سال و یک نفر روزنامه‌نگار که لااقل پنج سال مرتب روزنامه منتشر کرده باشد به انتخاب وزارت کشور و با انجمن روزنامه‌نگاران، است (۱۸). در صورتی که در ماده دوم تصویبنامه تیراژ، کمیسیون رسیدگی‌کننده به میزان تیراژ مطبوعات از نمایندگان وزارت کشور - وزارت فرهنگ و اداره کل انتشارات و رادیو تشکیل شده است. وجود چنین ترکیبی از نمایندگان نهادهای دولتی در کمیسیون مزبور، آشکارا افزودن بر قدرت دولت در مقابل مطبوعات است. ۳- در ماده سوم تصویبنامه تیراژ، مدت زمان لازم برای رسیدن به تیراژ لازم

سه ماه ذکر شده است، در حالی که در تبصره دوم ماده پنجم لایحه قانونی سال ۱۳۳۴ قید شده است: «مدت اعتبار امتیاز روزنامه یا مجله برای شروع انتشار ۶ ماه است و اگر بعد از انتشار یکسال منتشر نگردد، امتیاز روزنامه و مجله ملغی است»^(۱۹).

۴- موضوع ماده ۵ تصویبنامه تیراژ، مبنی بر «تامین هزینه شش ماه انتشار نشریه، در مدت یک و ماه نیم» مغایر با بند و ماده سوم لایحه قانونی ۱۳۳۴ مبنی بر «توانایی مالی اداره کردن حداقل سه ماه نشریه مورد تقاضا»^(۲۰)، توسط درخواست کننده، است.

در مجموع با توجه به مغایرت‌های فوق به نظر می‌رسد صرف نظر از موضوع تیراژ جراید، جهت و هدف اصلی تنظیم کنندگان تصویبنامه مورد بحث، افزایش قدرت دولت در مقابل مطبوعات بوده است.

پس از بررسی مفاد تصویبنامه، مروری بر انگیزه و علل صدور آن خواهیم داشت. در صفحات قبل سخنی از یک مصاحبه جهانگیر تفضلی را در رابطه با علل صدور تصویبنامه خواندیم. تفضلی در مصاحبه‌های دیگر خود نیز، مهمترین انگیزه دولت برای چنین اقدامی را رواج بی‌بند و باری در مطبوعات و لزوم مقابله دولت با مطبوعات مبتدل و فاسد عنوان کرد. در ادامه مقاله با بررسی این ادعا، تلاش خواهیم کرد تا اندازه‌ای به انگیزه واقعی صدور تصویبنامه مزبور پی ببریم.

نخست فرض را بر آن می‌گذاریم که ادعای جهانگیر تفضلی صحت داشته و بی‌بند و باری راجع در مطبوعات انگیزه دولت برای صدور تصویبنامه تیراژ بوده است. در این رابطه باید گفت:

۱- علت اصلی رواج بی‌بند و باری در مطبوعات ایران، اختناق و سانسور شدید حاکم بر جراید بود. این اختناق و سانسور مانع انعکاس واقعیت‌ها در جراید می‌شد. در نتیجه جراید از نظر سیاسی به تریبون دولت تبدیل شدند. بدیهی است هنگامی که در دوران بحرانی سالهای ۴۲ - ۱۳۴۰ و خصوصاً شش ماهه دوم سال ۱۳۴۱ مردم هیچگونه گزارش و یا چیزی که حاکی از انعکاس واقعیت‌ها باشد در مطبوعات مشاهده نکردند، از جراید گریزان می‌شوند. در این شرایط، یکی از راههای جذب مشتری و خواننده جهت تامین هزینه نشریه، مجیز گویی دولت و مقامات دولتی و نیز ترویج بی‌بند و باری توسط برخی از جراید است.

۲- براساس بند (ه) ماده سوم لایحه قانونی سال ۱۳۳۴ یکی از شرایط صدور اجازه برای انتشار یک نشریه «معروف [بودن درخواست کننده] به درستی و امانت و دارای حسن شهرت و صلاحیت اخلاقی [درخواست کننده] برای روزنامه نگاری»^(۲۱) است. بدین لحاظ مسئولیت صدور اجازه نشریه برای افراد به عهده دولت است و هرگونه عدم صلاحیت صاحبان امتیاز و مدیران جراید مستقیماً به کوتاهی دولت در انجام وظایف خود، مربوط است.

۳- برای جلوگیری از رواج بی‌بند و باری و نشر مقالات، عکسها و اخبار مخالف شئون اخلاقی در جامعه دولت می‌توانست با استناد به ماده ۱۹ لایحه قانونی سال ۱۳۳۴، جلوی انتشار نشریات با چنین محتوایی را

بگیرد. مفاد ماده ۱۹ مزبور به شرح زیر است:

«ماده ۱۹- در جرایمی که ذیل ذکر می‌شود:

الف) انتشار مقالات مضر به عفت عمومی و یا مضر به اخلاق حسنه
ب) انتشار صور قبیحه

ج) انتشار آگهی‌ها یا عکسهای مخالف اخلاق حسنه و آداب و رسوم ملی
د) انتشار مذاکرات سری محاکم دادگستری و یا انتشار تحقیقات و تصمیمات مراجع قضایی که قانوناً انتشار آنها ممنوع است.
مرتکب به تادیه یک هزار تا ده هزار ریال غرامت محکوم خواهد شد»^(۲۲).

با توجه به موضوعات فوق‌الذکر، بنظر می‌رسد در صورتی که قصد واقعی دولت جلوگیری از ترویج بی‌بند و باری و مسایل ضد اخلاقی در جراید بود، می‌توانست بدون آنکه نیاز به صدور تصویبنامه جدیدی داشته باشد، با استناد به مفاد لایحه قانون سال ۱۳۳۴ مطبوعات، علاوه بر جلوگیری از رواج مسایل ضد اخلاقی در جراید، از اعطای امتیاز به افراد غیر سالم و غیر مطبوعاتی خودداری کند.

از سویی دیگر بررسی نحوه اجرای تصویبنامه تیراژ نیز ما را با اهداف و انگیزه‌های دولت در تمسک جستن به چنین مصوبه‌ای در ارتباط با مطبوعات بیشتر آشنا می‌سازد. قبلاً فهرست نشریاتی که در تهران براساس تصویبنامه تیراژ اجازه انتشار یافتند، را نقل کردیم. علاوه بر آن بر همین اساس، نشریاتی نیز توقیف شدند که از آن جمله می‌توان به دیپلمات - فریاد خوزستان - یزدان - سحر و سعادت ایران اشاره کرد. در بررسی محتوایی این نشریات متوجه عدم وجود بی‌بند و باری و مسایل ضد اخلاقی در اغلب آنها می‌شویم. در پاره‌ای از آنها نیز سهم مطالب ضد اخلاقی نسبت به کل مطالب موجود در نشریه به مراتب کمتر از میزان مطالب ضد اخلاقی موجود در نشریاتی نظیر تهران مصور، خواندنی‌ها و اطلاعات هفتگی است. نکته اساسی آن است که با اجرای تصویبنامه تیراژ تنها آن دسته از نشریاتی توقیف شدند که مطالب ضد اخلاقی در آنها کمتر بود. زیرا علاوه بر بررسی و مقایسه موردی، اگر قبول داشته باشیم در فضای موجود جامعه در سالهای ۴۲ - ۱۳۴۰، وجود موضوعات ضد اخلاقی در یک نشریه، سبب بالا رفتن تیراژ آن نشریه میشد، بدیهی است تیراژ پایین یک نشریه مستلزم عدم وجود مسایل و موضوعات ضد اخلاقی در آن نشریه است.

با توجه به مطالب فوق، سوال اساسی این است که علت اصلی صدور تصویب نامه تیراژ چه بود؟ در پاسخ به این سوال می‌باید شرایط بحرانی نیمه دوم سال ۱۳۴۱ و نیز شروع اجرای لوایح ششگانه توسط دولت را به عنوان علت اصلی صدور تصویبنامه مزبور ذکر کرد. بدون شک دولت پیش بینی می‌کرد که با اجرای لوایح ششگانه مواجه با یک سلسله اعتراضات مردمی در نقاط مختلف کشور خواهد شد. بدین جهت در راستای زمینه سازی برای مقابله با اعتراضات فوق، می‌باید وضعیت مطبوعات مشخص شود. به عبارتی دیگر بنظر می‌رسد یکی از برنامه‌های اعلام نشده دولت جهت مقابله با اعتراضات و مخالفت‌های ضد رژیم، محدود ساختن

نظریه‌ای که طبق ماده ۱۶ قانون مطبوعات: «روزنامه یا مجله نشریه است که برای روشن ساختن تکاوروم در زمینه های مختلف اجتماعی، سیاسی، علمی یا ادبی و تفریحی دادن خلق معلومات عامه و تفریح عامه و اطلاع‌رسانی و مطالب عام المنفعه و انتقاد صلاح اندیشی در امور عمومی بطور منظم و ریوایت معین طبع و نشر گردد» و لحاظ اینکه حسن انجام این وظیفه قانونی واجبی را بطرح هم با اکثر خواننده و میزان تیراژ هر نشریه هم از روزنامه یا مجله دارد تا مردم بتوانند به نحو مطلوب از اربابان و راهنمایان و انتقادات اصلی مطبوعات بهره‌مند گردند لهذا جهت میزان در جلسه مورخ ۱۲/۱۲/۴۵ بنا به پیشنهاد وزیر مشاور و سرپرست اداره کل انتشارات برادیسو و در اجراء این منظور لایحه قانونی راجع به لغو امتیاز روزنامه ها و مجلاتی را که برخلاف منظور بند ۱۱ در ماده ۱۶ قانون مطبوعات نشر می‌شود، پیش از تصویب کردند.

ماده ۱۰- از تاریخ تصویب این لایحه قانونی انتشار روزنامه یا مجله‌ای که امتیاز آن برای تیراژ داده شده است در صورتیکه تیراژ روزنامه کمتر از سه هزار و پانصد مجله کمتر از پنج هزار باشد ممنوع خواهد بود.

ماده ۲۰- برای تعیین تمداد تیراژ روزنامه ها و مجلات زیر کمیسیون مرکب از نمایندگان وزارت کشور و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و اداری و انتشارات و رادیو و در اداری و انتشارات و رادیو تشکیل میگردد. کمیسیون مذکور مکلف است هر ماه یکبار تمداد تیراژ روزنامه ها و مجلات را مورد رسیدگی قرار دهد در صورتیکه تیراژ آن به حد تصاب مقرر رسیده اول یا پس از نشود اخبار آنرا لغو نموده و مراتب را به دارنده امتیاز اعلام نماید.

ماده ۳۰- در صورتیکه میزان تیراژ روزنامه ها و مجلات جدیدی که طبق ماده ۱۶ قانون مطبوعات امتیاز آن داده میشود پس از سه ماه از تاریخ صد و پانجاهین شماره به حد تصاب مذکور رسیده ۲۰ بالغ نشود امتیاز آن بنا بر پیشنهاد اداره کل انتشارات و رادیو و تصویب کمیسیون فوق الاضمار لغو خواهد شد.

ماده ۱۰- کلیه نشریه های روزانه هفتگی، ماهانه و سالانه که امتیاز آن بنا بر اساس دولت یا کشور در این

با مؤسسات وابسته یا بنابر وابستگیهای عام المنفعه مانند نیروی هوایی و نظامی آن صادر گردیده است همچنین روزنامه ها و مجله‌ای که امتیاز آن برای شهرستانها داده شده است و در همان شهرستان به طبع میرسد و کلیه مجلات علمی یا ادبی یا هنری مذکور در تبصره ماده سوم قانون مطبوعات از مقررات مذکور در این لایحه قانونی مستثنی میباشد.

ماده ۵- کسانی که قبل از تاریخ تصویب این لایحه قانونی دارای امتیاز روزنامه یا مجله بوده اند و امتیاز آن طبق ماده دوم این لایحه قانونی لغو گردیده است میتوانند حد اکثر در مدت یکماه و نیم از تاریخ تصویب این لایحه قانونی مجلسی را که طبق تشخیص کمیسیون مذکور برای شش ماه انتشار در حد تصاب تیراژ مذکور در ماده ۲ ضمیمه است در زمانه علمی یا هنری یا مجازی که بخواهند به حساب مخصوصی که بنام روزنامه خود میکنند بسیارند و سپردخواست تجدید امتیاز را از اداره کل انتشارات و رادیو بکنند. شروط برای تکرار روزنامه یا مجله آنان از تکمال قبل از تاریخ تصویب این لایحه قانونی بطور مثبت انتشار یافته باشد. در صورتیکه توضیح کتبه بیش از $\frac{1}{3}$ مبلغ سیر و راز بانک کشور دارد بانک شروط تکلف است مراتب را به اداره کل انتشارات و رادیو اعلام کند. در اینصورت امتیاز روزنامه یا مجله از طرف کمیسیون مذکور لغو خواهد شد.

مقررات مذکور در این ماده از نظر لغو سپرده بانکی در مورد کسانی که طبق قانون مطبوعات بموجب ۱۳۳۱ درخواست امتیاز روزنامه یا مجله را میکنند نیز لازم‌الاجرا خواهد بود.

ماده ۶- کمیسیون مذکور در این لایحه قانونی میتواند هر شش ماه یکبار به تناسب از یاد جمعیت و هلافتندی مردم به مطبوعات در تصاب مذکور در ماده اول تجدید نظر کرده و تمداد آنرا افزایش دهد.

ماده ۷- وزارت کشور و وزارت فرهنگ و اداری و انتشارات و رادیو مسئول اجراء این لایحه قانونی میباشد و وزارت کشور و وزارت فرهنگ و اداری و انتشارات و رادیو مسئول اجراء این لایحه قانونی خواهند بود.

اینست: *از طرف نخست وزیر* *مركز تحقیقات مطبوعات و علوم روزنامه‌ریزی*

مختلف ایران در اواخر سال ۱۳۴۱ و خصوصاً سه ماهه اول سال ۱۳۴۲ انعکاس واقعی در مطبوعات نیافت.

* * *

واما فرجام کار تصویبنامه تیراژ

پس از برگزاری انتخابات دوره بیست و یکم مجلس شورای ملی و چهارمین دوره مجلس سنا در تابستان سال ۱۳۴۲ و شروع بکار این دو مجلس در مهرماه همان سال، از جمله اولین موضوعاتی که در دستور کار مجلسین قرار گرفت بررسی لوایحی (از جمله تصویبنامه تیراژ) بود که در دوره فترت مجلسین توسط دولت‌های وقت تصویب و به مورد اجرا گذارده

مطبوعات بود. بدین لحاظ است که از اوایل اسفند ماه دولت با مستمک قرار دادن موضوع تیراژ، محدود ساختن مطبوعات را مدنظر قرار داد. از سویی دیگر عدم توفیق دولت در اجرای طرح انجمن‌های ایالتی و ولایتی، اوج‌گیری اعتراضات مردم، علماء و روحانیون و پاره‌ای از گروههای سیاسی، همه از عواملی بودند که در راسخ نمودن دولت جهت محدود سازی مطبوعات ذی دخیل بودند. در نهایت موضوع تیراژ بهانه‌ای برای اعمال این محدودیت قرار گرفت. موفقیت دولت در اجرای تصویبنامه مورد بحث و توقیف افزون بر ۷۰ نشریه سبب تشدید کنترل و اعمال سانسور دولتی بر مطبوعات شد. بنحوی که (به عنوان نمونه) هیچ‌گاه وقایع تظاهرات و اعتراضات مردم، گروههای سیاسی و روحانیت در شهرهای

شده بود. در این راستا دو مجلس کمیته مشترکی را تشکیل داده و در آن این موضوع را مورد بحث و مذاکره قرار دادند. گزارشی از یکی از جلسات این کمیته را با هم مرور می‌کنیم:

اساعت ۱۱ امروز (۱۳۴۲/۸/۱۳) جلسه مشترک هیات رئیسه مجلسین سنا و شورای ملی با حضور آقای علم نخست وزیر و آقای دکتر خوشبین وزیر مشاور در کاخ سنا تشکیل گردید. در این جلسه مشترک پیرامون چگونگی تقدیم تصویب نامه‌های دوران فترت به مجلسین مذاکره شد. طی ۲۸ ماه فترت [مجلسین] بیش از شصت تصویب نامه به تصویب دولت‌ها رسید که اینک با گشایش مجلسین، دولت باید آنها را جهت تصویب تقدیم مجلسین کند. مذاکرات جلسه مشورتی هیات رئیسه دو مجلس تا نیم ساعت بعد از ظهر ادامه یافت و در پایان موافقت شد که کمیسیونی مرکب از آقایان دکتر محمد سجادی و اشرف احمدی از مجلس سنا و آقایان دکتر باقر عاملی و صادق احمدی از مجلس شورای ملی با شرکت آقای دکتر خوشبین و آقای دکتر باهری وزیر دادگستری تشکیل و فرمول تقدیم لوایح به مجلسین را تنظیم نمایند (۱۳۳).

در نتیجه مذاکرات این کمیته، دولت موظف شد با ارائه یک ماده واحده به مجلسین تکلیف لوایح مزبور را روشن کند. در ۲۲ آبان ماه همان سال دولت طی نامه‌ای به مجلس سنا اعلام کرد:

ساحت مقدس مجلس سنا

بطوریکه نمایندگان محترم استحضار دارند در فاصله بین انحلال بیستمین دوره مجلس شورای ملی و سومین دوره مجلس سنا تا زمان افتتاح مجدد مجلسین، [مهر ۱۳۴۲] اصول ششگانه شاه و ملت به منظور تامین آسایش و سعادت ملت ایران از جانب شخص اعلیحضرت همایونی محمد رضا شاه پهلوی پیشنهاد شد و در ششم بهمن ۱۳۴۱ به تصویب ملی رسید و طبق فرامین همایونی مورخ پانزدهم و نوزدهم بهمن ماه ۱۳۴۱ به عنوان قانون مملکتی لازم الاجرا گردیده است.

علاوه بر قوانین مزبور که پایه و اساس تحولات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی اخیر کشور بوده مقررات لازم جهت اداره و تنظیم امور جاری و ضروری مملکتی در غیاب مجلسین با تصویب هیات وزیران به موقع اجرا گذاشته شده که مقرر بوده پس از افتتاح مجلسین دولت مجوز قانونی آن را تحصیل نماید. بنابراین ماده واحده بیوست با قید دو فوریت تقدیم و از مجلس سنا تقاضای تصویب آن می‌شود.

ماده واحده

کلیه تصویب نامه‌هایی که از تاریخ انحلال بیستمین دوره مجلس شورای ملی و سومین دوره مجلس سنا (۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۰) تا تاریخ افتتاح مجلسین (۱۴ مهر ۱۳۴۲) به تصویب هیات وزیران رسیده و مقرر بوده پس از افتتاح مجلسین مجوز قانونی آن تحصیل شود و فهرست آن به بیوست است به موجب این قانون کماکان به قوت خود باقی و اجرای آن ادامه خواهد داشت. دولت مکلف است هر یک از تصویب نامه‌های مزبور را ظرف یک ماه به مجلسین تقدیم نماید.

چنانچه هر یک از تصویب نامه‌های مزبور مورد تصویب نهایی مجلسین قرار نگیرد از تاریخ رد آنها منسوخ تلقی خواهد شد و هرگاه اصلاحی در مواد آن بعمل آید از تاریخ تصویب نهایی بطوری که اصلاح شده است بموقع اجرا گذاشته خواهد شد. این قانون بلافاصله پس از تصویب قابل اجرا می‌باشد.

اسداله علم (۲۴)

ماده واحده فوق در همان روز توسط نمایندگان مجلس سنا و سپس توسط نمایندگان مجلس شورای ملی تصویب شد. ولی علیرغم اینکه در ماده واحده مقرر شده بود لوایح مزبور می‌باید ظرف مدت یک ماه از سوی دولت به مجلسین ارائه شود، لیکن بعدها این موضوع از سوی دولت در بوته اجمال و تعویق افتاده و کار جدی بر روی آن انجام نشد. تنها چند روز بعد از تصویب ماده واحده فوق در مجلسین، طی خبری اعلام شد:

«ده روزنامه که امتیازهای آنها در زمان آقای تفضلی طبق تصویب نامه هیات وزیران لغو گردیده بود هم اکنون در دست تصویب است تا از توقیف خارج گردند. از جمله این روزنامه‌ها آذرین، خدنگ و دیپلمات هستند» (۲۵).

بدین ترتیب تنها تعداد محدودی از مدیران ۷۶ نشریه توقیف شده در فروردین ۱۳۴۲ توانستند با تمسک جستن به مقامات ارشد دولتی، بار دیگر اجازه انتشار نشریه خود را بدست آورند.

نخست وزیر، شماره ۶۱۱۹/۴ به تاریخ ۱۳۴۱/۱۲/۲۷

خیلی محرمانه

وزارت کشور

نظر به اینکه طبق ماده یک قانون مطبوعات «روزنامه یا مجله نشریه‌ای است که برای روشن ساختن افکار مردم، در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، علمی یا ادبی و ترقی دادن سطح معلومات و نشر اخبار و اطلاعات و مطالب عام‌المنفعه و انتقاد و صلاح اندیشی در امور عمومی به طور منظم و در مواقع معین طبع و نشر گردد. و بلحاظ اینکه حسن انجام این وظیفه قانونی و اجتماعی رابطه مستقیم با کثرت خواننده و میزان تیراژ هر نشریه اعم از روزنامه یا مجله دارد تا مردم بتوانند به نحو مطلوب از ارشاد و راهنمایی و انتقادات اصولی مطبوعات بهره‌مند گردند، لهذا هیات وزیران در جلسه مورخ ۴۱/۱۲/۲۵ بنا به پیشنهاد وزیر مشاور و سرپرست اداره کل انتشارات و رادیو و در اجرای این منظور، لایحه قانونی راجع به لغو امتیاز روزنامه و مجلاتی را که برخلاف منظور مندرج در ماده یک قانون مطبوعات منتشر می‌شود به شرح زیر تصویب کردند:

ماده ۱:

از تاریخ تصویب این لایحه قانونی انتشار روزنامه یا مجلاتی که امتیاز آن

برای تهران داده شده است در صورتی که تیراژ روزنامه کمتر از سه هزار و تیراژ مجله کمتر از پنج هزار باشد، ممنوع خواهد بود.

ماده ۲:

برای تعیین تعداد تیراژ روزنامه‌ها و مجلات مزبور کمیسیونی مرکب از نمایندگان وزارت کشور و وزارت فرهنگ و اداره کل انتشارات و رادیو در اداره کل انتشارات و رادیو تشکیل می‌گردد. کمیسیون مزبور مکلف است هر ماه یکبار تعداد تیراژ روزنامه‌ها و مجلات را مورد رسیدگی قرار دهد و در صورتی که تیراژ آن به حد نصاب مقرر در ماده اول بالغ نشود امتیاز آن را لغو نموده و مراتب را به دارنده امتیاز اعلام نماید.

ماده ۳:

در صورتی که میزان تیراژ روزنامه‌ها و مجلات جدیدی که طبق ماده ۵ قانون مطبوعات امتیاز آن داده میشود پس از سه ماه از تاریخ صدور اولین شماره به حد نصاب مذکور در ماده ۲ بالغ نشود امتیاز آن بنا بر پیشنهاد اداره کل انتشارات و رادیو و تصویب کمیسیون فوق‌الاشعار لغو خواهد شد.

ماده ۴:

کلیه نشریه‌های روزانه، هفتگی، ماهانه و سالانه که امتیاز آن به نام موسسات دولتی یا شهرداریها یا موسسات وابسته به آنها و یا بنگاههای عام‌المنفعه مانند شیر و خورشید سرخ و نظایر آن صادر گردیده است همچنین روزنامه و مجلاتی که امتیاز آنها برای شهرستانها داده شده است و در همان شهرستان به طبع می‌رسد و کلیه مجلات علمی یا ادبی یا فنی یا هنری مذکور در تبصره ماده سوم قانون مطبوعات از مقررات مذکور در این لایحه قانونی مستثنی می‌باشند.

ماده ۵:

کسانی که قبل از تاریخ تصویب این لایحه قانونی دارای امتیاز روزنامه یا مجله بوده‌اند و امتیاز آن طبق ماده دوم این لایحه قانونی لغو گردیده است می‌توانند حداکثر در مدت یک ماه و نیم از تاریخ تصویب این لایحه قانونی مبلغی را که طبق تشخیص کمیسیون مذکور برای شش ماه انتشار در حد نصاب تیراژ مذکور در ماده ۲ ضروری است در بانک ملی یا هر بانک مجازی که بخواهند به حساب مخصوصی که به نام روزنامه خود می‌گشایند بسپارند و سپس درخواست تجدید امتیاز را از اداره کل انتشارات و رادیو بکنند. مشروط بر اینکه روزنامه یا مجله آنان از یک سال قبل از تصویب این لایحه قانونی بطور مرتب انتشار یافته باشد. در صورتی که تودیع کننده بیش از $\frac{2}{3}$ مبلغ سپرده را از بانک مسترد دارد بانک مربوطه مکلف است مراتب را به اداره کل انتشارات و رادیو اعلام کند. در این صورت امتیاز روزنامه یا مجله از طرف کمیسیون مذکور لغو خواهد شد.

مقررات مذکور در این ماده از نظر لزوم سپرده بانکی در مورد کسانی که

طبق قانون مطبوعات مصوب ۱۳۳۴ درخواست امتیاز روزنامه یا مجله را می‌کنند نیز لازم‌الرعایه خواهد بود.

ماده ۶:

کمیسیون مذکور در این لایحه قانونی می‌تواند هر شش ماه یکبار به تناسب از دیاد جمعیت و علاقمندی به مطبوعات دز نصاب مذکور در ماده اول تجدید نظر کرده و تعداد آن را افزایش دهد.

ماده ۷:

وزارت کشور و وزارت فرهنگ و اداره کل انتشارات و رادیو مسئول اجراء این لایحه قانونی می‌باشند. وزارت کشور و وزارت فرهنگ مکلفند پس از افتتاح مجلسین مجوز قانونی آن را تحصیل کنند.

اصل تصویبنامه در دفتر نخست وزیر است.

از طرف نخست وزیر دکتر [ناخوانا]

۲۹۰ - ۰۰۰۷۰۳۷۸ - ۰۰۰۲

سازمان اسناد ملی ایران

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ - مجله خواندنی‌ها، ش ۱۰، ص ۲۳، ۱۳۴۱/۸/۱، ص ۴.
- ۲ - همان، ص ۵.
- ۳ - همان، ش ۲۵، ص ۲۳، ۱۳۴۱/۹/۲۴، ص ۴.
- ۴ - هفته‌نامه دیپلمات، ش ۴۳۳، ۱۳۴۱/۱۲/۲۹، ص ۱.
- ۵ - روزنامه اطلاعات، ش ۴۸، ۱۱۰، ۱۳۴۱/۱۲/۲۶، ص ۱۷.
- ۶ - همان، ش ۴۴، ۱۱۰، ۱۳۴۱/۱۲/۲۰، ص ۱۶.
- ۷ - همان، ش ۴۶، ۱۱۰، ۱۳۴۱/۱۲/۲۳، ص ۱۶.
- ۸ - هفته‌نامه دیپلمات، ش ۴۳۱، ۱۳۴۱/۱۲/۱۵، ص ۲.
- ۹ - سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۰۰۰۲ - ۰۰۰۷۰۳۷۸ - ۲۹۰.
- ۱۰ - به نقل از مجله خواندنی‌ها، ش ۶۴، ص ۲۳، ۱۳۴۲/۲/۱۰، ص ۷ و ص ۴۵.
- ۱۱ - روزنامه کیهان، ش ۷۸۶۴، ۱۳۴۲/۲/۱۱، ص ۱.
- ۱۲ - روزنامه اطلاعات، ش ۵۶، ۱۱۰، ۱۳۴۲/۱/۱۱، ص ۱۶.
- ۱۳ - روزنامه دیپلمات، ش ۴۳۳، ۱۳۴۲/۱۲/۲۹، ص ۱.
- ۱۴ - مجله خواندنی‌ها، ش ۵۹، ص ۲۳، ۱۳۴۲/۱/۲۴، ص ۷۰۵.
- ۱۵ - همان، ش ۵۶، ص ۲۳، ۱۳۴۲/۱/۱۳، ص ۲.
- ۱۶ - همان، ش ۵۸، ص ۲۳، ۱۳۴۲/۱/۲، ص ۷.
- ۱۷ - متن قانون مطبوعاتی سال ۱۳۳۴ در کتاب: مطبوعات ایران از شهریور ۲۶ - ۱۳۲۰، گردآورنده دکتر حسین ابوترابیان، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۶.
- ۱۸ - همان، ص ۲۴۰.
- ۱۹ - همان، ص ۲۳۹.
- ۲۰ - همان، ص ۲۴۰.
- ۲۱ - همان، ص ۲۳۷.
- ۲۲ - همان، ص ۲۴۱.
- ۲۳ - روزنامه اطلاعات، ش ۳۵، ۱۱۲، ۱۳۴۲/۸/۱۳، ص ۱۶.
- ۲۴ - همان، ش ۴۲، ۱۱۲، ۱۳۴۲/۸/۲۲، ص ۱۳.
- ۲۵ - جریده آهنگ خاور، ش ۸۷، ۱۳۴۲/۸/۲۸، ص ۱.